

فقر و اقتصاد در قرآن^۱

مایکل بونر^۲ | ترجمه: عبدالهادی فیاض

چکیده

این مقاله به بررسی آموزه‌های قرآن در مورد فقر و اقتصاد می‌پردازد و نقش آن را در برقراری نظم اجتماعی جدید که انصاف برای فقرا را در اولویت قرار می‌دهد، برجسته می‌کند. قرآن طرحی برای اقدامات اقتصادی ارائه می‌دهد که بر خیریه، توزیع ثروت و رفتار اخلاقی با فقرا تأکید دارد. این مقاله به بررسی زمینه تاریخی این آموزه می‌پردازد و به تأثیر شیوه‌های باستانی متأخر و سنت‌های عربی پیش از اسلام اشاره می‌کند. محور چشم انداز اقتصادی قرآن، مفهوم «اقتصاد فقر» است که در آن ثروت از طریق صدقه (صدقه و زکات) تطهیر و به گردش در می‌آید. قرآن بین صدقه اختیاری (صدقه) و صدقه واجب (زکات) تمایز چندانی قائل نشده است، اگرچه هم خطوط بین آنها اغلب مبهم است. صدقه وسیله تقلید از بخشش خداوند و تطهیر مال است. قرآن گروه‌های خاصی را به عنوان دریافت کنندگان صدقه معرفی می‌کند، از جمله فقرا (فقرا و مساکین)، یتیمان، مسافران و بدهکاران. فقرا با تمرکز بر مراقبت از آنها و توزیع مجدد ثروت، محور چشم انداز اقتصادی قرآنی هستند. مفهوم مازاد (فضل خدا) مؤمنان را تشویق می‌کند تا سخاوت خدا را با بخشش به دیگران جبران کنند، درحالی که ایده حق (حق/دعا/تکلیف) مالی بر الزام به توزیع عادلانه ثروت تأکید دارد. اصول اقتصاد قرآنی بر ساختار مالی و نظامی اولیه اسلامی تأثیر گذاشت که بر مفاهیم هدیه (فیء) و کمک هزینه (عطا) استوار بود. آموزه‌های قرآن در مورد فقر و انفاق نقشی دگرگون کننده در شکل دادن به جامعه اسلامی، چه در عربستان و چه در خارج از آن، ایفا کرد و میراثی ماندگار بر رویه‌های اقتصادی و اجتماعی بر جای گذاشت. [مترجم]

کلیدواژه‌ها: فقر در قرآن، اقتصاد اسلامی، زکات و صدقه، عدالت اقتصادی، توزیع ثروت [مترجم]

۱. این مقاله با عنوان «Poverty and Economics in the Qur'an» در «The Journal of Interdisciplinary History» (مجله تاریخ بین‌رشته‌ای)، MIT دانشگاه فناوری ماساچوست آمریکا، دوره ۳۵، شماره ۳، با موضوع فقر و نیکوکاری: یهودیت، مسیحیت و اسلام، صفحات ۳۹۱ تا ۴۰۶ در زمستان ۲۰۰۵ م (۱۳۸۳ خ) چاپ شده است. دسترسی و دریافت مقاله از سایت Jstor لینک زیر انجام شده است: Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/3657031>

۲. مایکل بونر Michael Bonner (۱۹۵۲ - ۲۵ می ۲۰۱۹ م) (۱۳۳۱ تا ۴ جوزا ۱۳۹۸ خ) محقق آمریکایی-یهودی در مطالعات اسلامی بود. او دکترای خود را در مطالعات خاور نزدیک از دانشگاه پرینستون در سال ۱۹۸۷ م/۱۳۶۶ خ دریافت کرد. بونر در دانشگاه میشیگان (شهران اربر) استاد تاریخ اسلام قرون وسطی و نیز رئیس بخش مطالعات خاور نزدیک (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ م) (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۸ خ) بود. او ویراستار همکار در کتاب «Poverty and Charity in Middle Eastern Contexts: فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه» (Albany, 2003) چاپ آلبانی، ۲۰۰۳ م) نیز بوده است. او علاوه بر تک نگاری‌هایش، ده‌ها مقاله و ترجمه علمی منتشر کرد.

مقدمه^۱

قرآن چشم‌اندازی را برای جامعه‌ای عادلانه‌تر ترسیم می‌کند که در آن بهتر از گذشته با فقرا رفتار شود. با این حال، درک بافت تاریخی این چشم‌انداز این سؤال‌ها را ایجاد می‌کند: «فقرای ذکر شده در قرآن چه کسانی بودند و چه کسانی به آن‌ها کمک کردند و چه اتفاقی برای آن‌ها افتاد». پاسخ به این پرسش‌ها دشوار است؛ زیرا به غیر از خود قرآن، اسناد مکتوب کمی از عربستان قرن هفتم (میلادی/قرن اول قمری) وجود دارد. بیشتر آنچه در مورد محمد [ص] و جامعه مسلمانان اولیه می‌دانیم، از روایت‌هایی است که در قرن هشتم (قرن دوم قمری) یا بعد از آن نوشته شده است که می‌تواند ناقص یا غیرقابل اعتماد باشد، به خصوص در مورد فقر. این منابع اغلب منعکس‌کننده نگرانی‌ها و بحث‌های زمان‌های بعد، مانند بغداد قرن نهم، به جای واقعیت‌های مکه و مدینه قرن هفتم است. این روایت‌ها ترکیبی از دوره‌های زمانی جذاب؛ اما پیچیده است و محققان هنوز در حال بررسی آن‌ها هستند.

در حالی که هیچ چارچوب توافق شده‌ای برای درک فقر در اوایل اسلام وجود ندارد، بررسی توضیحات احتمالی همچنان مفید است. از آنجا که اسلام در مناطقی که زمانی توسط امپراتوری روم اداره می‌شد، گسترش یافت، احتمالاً برخی از ایده‌ها و اعمال مربوط به فقر را از اواخر دوران باستان به ارث برده که پژوهش درباره آن را براون، پاتلجین^۲ و دیگران انجام داده‌اند. درک دیدگاه‌های اولیه اسلامی در مورد فقر مستلزم بررسی آنچه پیش از این در عربستان و مناطق مجاور بود و اینکه چگونه سنت‌های مذهبی و فرهنگی متفاوت بر یکدیگر تأثیر گذاشتند. فقر در اوایل اسلام موضوع مهمی بود و بسیاری از تعالیم و اعمال آن را شکل داد.

اما قرآن چگونه؟ چرا بسیاری از مردم آن را قانع‌کننده می‌دانستند، مخصوصاً وقتی صحبت از فقر و فقرا می‌شد؟ قرآن فقط راهنمایی در مورد کمک به فقرا ارائه نمی‌دهد، بلکه

۱. به دلیل آنکه متن اصلی این مقاله، برای ارجاع‌دهی از روش پاورقی استفاده کرده و تمام ارجاعات هم حاوی توضیحاتی است که باید در ترجمه هم بیاید. بنابراین، سبک ارجاع دهی، برخلاف آیین‌نامه این نشریه، تغییری نکرده است (ویراستار).

۲. ۳۰۲. اولین پاتلجین (Évelyne Patlagean) (۱۹۳۲ تا ۲۰۰۸ م/۱۳۱۱ تا ۱۳۸۷ خ) مورخ فرانسوی و متخصص بیزانس (امپراتوری روم شرقی) بود که روی مسائل فقر، رفاه، جنسیت، خانواده و زنان در بیزانس کار می‌کرد. پیتز براون (Peter Brown) متولد ۱۹۳۵ م/۱۳۲۴ خ، مورخ و استاد دانشگاه پرینستون و ایرلندی است. جدیدترین تحقیقات او بر ثروت و فقر در اواخر دوران باستان، به ویژه در مطالعات نویسندگان مسیحی متمرکز است.



بیشتر تفکر و رفتار پیرامون فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهد. در اوایل اسلام، فقر و اقتصاد ارتباط تنگاتنگی داشتند. نوعی «اقتصاد فقر»^۱ در نظریه و عمل اسلامی مرکزیت داشت، حتی پس از آن که ایده‌های ارسطو درباره اقتصاد در اوایل قرن دهم دوباره کشف شد. این تمرکز بر فقر ادامه یافت تا اینکه دانشمندان بعدی مانند ابن تیمیه (متوفی ۱۳۲۸)، ابن خلدون (متوفی ۱۴۰۶) و مقریزی (متوفی ۱۴۴۲) درک اقتصاد را گسترش دادند.^۲

هسته اصلی این «اقتصاد فقر» یک «اقتصاد قرآنی» منحصر به فرد بود که حول محور این ایده می‌چرخید که دارایی از طریق خیریه به گردش درمی‌آید و پاک می‌شود. به تقلید از خداوند که روزی (رزق) و مازاد روزی (فضل) را بدون توقع چیزی هدیه می‌دهد، از مؤمنان انتظار می‌رفت که آزادانه و سخاوتمندانه به نیازمندان هدیه بدهند. این دیدگاه اسلامی در مورد انفاق و سخاوت - که بر تطهیر و گردش ثروت متمرکز بود - با ایده مسیحی مبنی بر همکاری/وابستگی متقابل پیوسته بین غنی و فقیر که در آن انفاق به عنوان ابراز عشق جامعه تلقی می‌شد، متفاوت بود.^۳

رویکرد رایج به مطالعه فقر در قرآن اغلب از دیدگاه منحصر به فردی که قبلاً بحث شد پیروی نمی‌کند. بیشتر محققان از قرآن برای آشنایی با جامعه مسلمانان اولیه در عربستان استفاده می‌کنند. برخی معتقدند فقرا نقش مهمی در این تاریخ داشتند، در حالی که برخی

۱. Economy of Poverty. ایده «اقتصاد فقر»، نخستین بار از سوی Giacomo Todeschini جیانکومو تودسکینی برای اروپای سده‌های میانی (قرون وسطی) مطرح شده است، جیانکومو (متولد ۱۹۵۰ م/ ۱۳۲۹ خ) تاریخ‌نگار ایتالیایی و متخصص در تاریخ تفکر اقتصادی است. او در زمینه‌های روابط یهودی مسیحی و دیگر موضوعات تاریخی نیز تحقیق کرده است. مقاله‌اش به نام «Quantum valet? Alle origini di un'economia della povertà: چه قیمتی دارد؟ خاستگاه اقتصاد فقر» در بولتن Istituto Storico Italiano per il Medioevo مؤسسه تاریخ ایتالیایی در قرون وسطی، سال (۱۹۹۲ م)، صفحات ۱۷۳-۲۳۴ را ببینید. همچنین به اثر دیگر او Il prezzo della salvezza. Lessici medievali del pensiero economico: بهای بهشت؛ واژگان قرون وسطی اندیشه اقتصادی (م، ۱۹۹۴ م). مراجعه کنید.

۲. مایکل بونر، مقاله «The Kitab al-kasb Attributed to al-Shaybani: Poverty, Surplus, and the Circulation of Wealth»: کتاب الکسب (منسوب به شیبانی): فقر، مازاد و گردش ثروت» در مجله American Oriental Society انجمن شرق‌شناسی آمریکا، سال (۲۰۰۱)، صفحات ۴۱۰-۴۲۷.

مترجم: محمد بن حسن شیبانی (۱۳۲ تا ۱۸۹ ق)، معاصر با ابوحنیفه، از نخستین عالمان مذهب حنفی‌ها و دارای آثار متعدد در فقه، حدیث، شعر، ادبیات عرب و علوم قرآنی بود.

۳. Natalie Zemon Davis, "Conclusion," in Bonner, Mine Ener, and Amy Singer (eds.), Poverty and Charity in Middle Eastern Contexts: ناتالی زیمنون دیویس، بخش «نتیجه‌گیری»، در کتاب «فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه»، صفحات ۳۱۶-۳۱۷. برای بررسی مفهوم گردش به عنوان «بازگشت ثروت» به بونر، مقاله «Poverty and Charity in the Rise of Islam: فقر و خیریه در صدر اسلام»، صفحات ۱۳-۱۵ مراجعه کنید.

دیگر آن‌ها را فقط بخشی از پیشینه جامعه می‌دانند. محققان علاقه‌مند به ارتباطات زبانی اغلب به پیوندهایی بین آموزه‌های قرآن در مورد فقر و سنت‌های دینی قبلی اشاره می‌کنند. به‌طور کلی، قرآن به‌عنوان شاهی بر گذار جامعه از شیوه زندگی ایلی و عشایری به شهری و سکونت‌گاه تلقی می‌شود. در این زمینه، برخی از محققین فقر را عامل مهمی در این تحول می‌دانند.^۱

زمینه پژوهشی این مقاله نیز به مشکل روایتی یادشده دچار است. قرآن در عین اینکه یک سند مهم تاریخی است، یک متن دستوری است و روایت مستمری ارائه نمی‌دهد. اطلاعات قرآنی مربوط به جامعه مؤمنان و محمد [ص] در ساختار یک داستان جامع و کافی جمع نمی‌شود. برای پر کردن این شکاف، محققان به دیگر متون اولیه اسلامی، مانند سیره (زندگی‌نامه محمد [ص])، مغازی (گزارش‌های لشکرکشی‌های اولیه مسلمانان)، تفسیر و حدیث (گزارش زبانی و نوشتاری سخنان و کردار محمد [ص]) تکیه می‌کنند. این متون روایی محتوای کافی را در شاخه‌های مختلف مانند اسباب و شرایط نزول، فراهم می‌کند.^۲ اما تفاوت محسوسی بین قرآن و این روایات وجود دارد. درحالی‌که قرآن مکرراً بر توجه به فقرا تأکید دارد، سیره و مغازی به‌ندرت چنین می‌کند. این تفاوت قابل توجه است و نشان می‌دهد که دغدغه‌های قرآن ممکن است با مواد روایی و تفسیری گسترده‌تر هم‌خوانی نداشته باشد. در نتیجه، درک زمینه تاریخی آموزه‌های قرآن در مورد فقر می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. البته این نکته به این معنا نیست که آموزه‌های قرآنی درباره فقر فاقد معنا و اهمیت تاریخی است؛ برعکس، آن‌ها برای درک اقتصاد اوایل اسلام از هر لحاظ حیاتی است. برای درک کامل این آموزه‌ها، محققان باید بر خود قرآن تمرکز کنند و تنها گهگاه به

1. Bonner, "Poverty and Charity," 15-18.

۲. درباره ادبیات سیره و مغازی، به مقاله Martin Hinds مارتین هینز تحت عنوان «Maghazi' and 'Sira' in Early Islamic Scholarship: مغازی و سیره در پژوهش‌های اولیه اسلامی» مراجعه کنید که در کتاب In La vie du prophète Mahomet: colloque de Strasbourg زندگی حضرت محمد: کنفرانس استراسبورگ، اکتبر ۱۹۸۰ م (و پاریس، ۱۹۸۳)، صفحات ۵۷-۶۶ منتشر شده و همچنین در کتاب Studies in Early Islamic History: مطالعاتی در تاریخ اسلام اولیه» به‌ویراستاری Jere Bacharach, Lawrence I. Conrad, and Patricia Crone جیره باچاراج، لارنس آی. کنراد و پاتریشیا کرون (پرینستون، ۱۹۹۶)، صفحات ۱۸۸-۱۹۸ بازنشر شده است. همچنین مقاله دیگر هینز با عنوان «Maghazi: مغازی» در The Encyclopaedia of Islam دایرةالمعارف اسلام (لیدن، ۱۹۶۰-۲۰۰۲) به‌ویراستاری Thomas H. Weir and Aaron Zysow توماس اچ. ویر و هارزون زیسو، جلد ۷ (۵)، صفحات ۱۱۶۱-۱۱۶۴ را ببینید. در همین زمینه، به مقاله Wim Raven ویم راون با عنوان «Sira: سیره» در جلد IX (۹)، صفحات ۶۶۰ تا ۶۶۳ مراجعه کنید.



روایات پیرامون مراجعه کنند.^۱

پیش از کاوش در دیدگاه قرآن در مورد فقر، نگاهی به چگونگی ترسیم فقر و فقرا در زندگی نامه‌های اولیه اسلامی (سیره) و گزارش‌های لشکرکشی‌های محمد [ص] (مغازی) مفید است. محمد [ص]، یتیمی که در اوایل زندگی اش سختی را تجربه کرد، گروه متنوعی از پیروان را در مکه جذب کرد که بسیاری از آن‌ها فقیر بودند. دریافت‌های اولیه او که در سوره‌های مکی قرآن یافت می‌شود، به شدت بر سخاوت و بخشش به فقرا متمرکز است. روایت‌های سیره و مغازی محتوای کمی درباره نزول این وحی‌ها دارد.

فقرا در روایت‌های مربوط به پایان زندگی حضرت محمد [ص] به طور برجسته‌ای حضور دارند. در آخرین لشکرکشی‌های نظامی او، به‌ویژه در جریان حمله به تبوک در سال ۶۳۰ م/ ۱۰ ق، بسیاری از اعضای جامعه توانایی تأمین حیوانات سواری، سلاح‌ها و لوازم مورد نیاز را نداشتند. افراد مختلف به‌ویژه ثروتمندان به آن‌ها اسلحه، مرکب و تدارکات اهدا کردند. سیره و مغازی به تبیین آیات قرآن (به‌ویژه در سوره‌های ۸ و ۹) کمک می‌کند که بر مشارکت در جنگ و حمایت از کسانی که می‌جنگند تأکید می‌کند.^۲

آخرین اشاره به فقرا در روایت‌های سیره و مغازی مربوط به زکات است، یعنی صدقه نهاده شده یا اجباری که بلافاصله پس از هجرت محمد [ص]، از مکه به مدینه در سال ۶۲۲ م/ ۱ ق به جامعه نوپای مسلمانان حکم شد. با این حال، این روایت‌ها به زکات چندان توجهی نکرده تا حدود هفت یا هشت سال بعد که درباره مأموران جمع‌آوری زکات که به قبیله‌های مختلف عربستان فرستاده شدند و مفصل درباره آن صحبت کرده‌اند. پس از درگذشت محمد [ص] در ۶۳۲ م/ ۱۱ ق، زکات، بهانه یا عاملی برای شورش و جنگ‌های رده یا «ارتداد» در سراسر شبه جزیره عربستان شد؛ جایی که بیشتر آنان به تازگی وارد جمع پیروان اسلام شده بودند. با این حال، دولت نوپای اسلامی از این شورش‌ها جان سالم به در

۱. به عنوان مثال این تفاوت به این تحقیق درباره موضوع بت پرستی پیش از اسلام مراجعه کنید: Gerald R. Hawting. "The Idea of: Idolatry and the Emergence of Islam: From Polemic to History" (Cambridge, ۱۹۹۹). جرال آر هاوینگ. ایده بت پرستی و ظهور اسلام: از جدل تا تاریخ (کمبریج، ۱۹۹۹ م).

مترجم: هاوینگ (زاده ۱۹۴۴ م/ ۱۳۲۳ خ) تاریخ‌دان و اسلام‌شناس بریتانیایی است.

۲. در دسترس ترین نسخه انگلیسی این روایات عربی Alfred Guillaume, The Life of Muhammad: A Translation of Ibn Ishaq's (Sirat Rasul Allah (Oxford, 1955) «زندگی محمد: ترجمه سیره رسول الله، اثر ابن اسحاق» (آکسفورد، ۱۹۵۵ م) است. برای موضوع فقرا در جامعه صدر اسلام به خصوص قضیه جنگ تبوک در این منبع، صفحات ۱۴۳ تا ۱۴۵ و ۶۰۲ تا ۶۱۴ مراجعه کنید.



برد و زکات به عنوان یکی از وظایف دینی اساسی برای هر مسلمان تبدیل شد.^۱

اگر زکات آن قدر مهم بود که باعث جنگ شد، چرا سیره و مغازی تا قبل از «رده» درباره آن کم گفته‌اند؟ پژوهش‌گران امروزی به طور معمول به دنبال پاسخ‌ها در متن قرآن بوده‌اند و از تفسیر قرآن و احادیث، تنها به عنوان منابع کمکی استفاده کرده‌اند. همین رویکرد در مورد نظام رفاهی و مالی مدینه از هجرت تا مرگ محمد [ص] (۶۲۲-۶۳۲ م/ ۱ تا ۱۱ ق) نیز به کار رفته است: تحقیقات مدرن بیشتر بر روی متن قرآن تمرکز داشته‌اند تا روایت‌ها و کمتر به سیره و مغازی و بیشتر به قرآن پرداخته‌اند.

۱. صدقه / زکات

بر اساس اجماع علمی و عمومی، متن قرآن؛ یعنی وحی‌های محمد [ص]، با مرگ او در سال ۶۳۲ م/ ۱۱ ق. پایان یافت. این وحی‌ها جمع‌آوری شد - فرایندی که همیشه موضوع مناقشه بوده - و بر اساس اکثر گزارش‌ها تا پایان خلافت عثمان (۶۵۶ م/ ۳۵ ق) کامل شد. تا آن زمان، اعمال خیریه به دو بخش تقسیم شده بود: صدقه که به خیریه داوطلبانه اشاره داشت و زکات که به خیریه اجباری اشاره می‌کرد. صدقه و زکات چارچوب اصلی نظریه و عمل خیریه را تشکیل می‌داد که دگرگونی‌هایی پیدا کرد و سپس وقف یا بنیاد نیکوکارانه به آن اضافه شد. در پژوهش‌های مدرن، عمدتاً با رویکرد زبان‌شناختی، بررسی صدقه و زکات و تفاوت‌های آن‌ها، رویکرد اصلی برای مطالعه فقر و نیازمندان در قرآن بوده است.^۲

در قرآن، تمایز صدقه (صدقه داوطلبانه) و زکات (مالیات صدقه واجب) بسیار کمتر از آن چیزی است که بعداً در شریعت و عمل اسلامی مشخص شد. به عنوان مثال، یک

۱. (Elias Shoufani, Al-Riddah and the Muslim Conquest of Arabia Toronto, 1973): الیاس شوفانی، رده و فتح مسلمانان (تورنتو، ۱۹۷۳ م)؛ (William Montgomery Watt, Muhammad at Medina Oxford, 1956): ویلیام مونتگومری وات، محمد در مدینه (آکسفورد، ۱۹۵۶)، صفحات ۲۵۰ تا ۲۶۰.

مترجم: الیاس شوفانی (۱۹۳۲-۲۰۱۳ م/ ۱۳۱۱ تا ۱۳۹۲ خ)، مورخ و نویسنده فلسطینی است. ویلیام مونتگومری وات (۱۹۰۹ تا ۲۰۰۶ م/ ۱۲۸۸ تا ۱۳۸۵ خ) استاد رشته زبان عربی و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادینبورگ در اسکاتلند، از برجسته‌ترین مفسران غیرمسلمان اسلام در غرب و با تأثیر بسیار بر مطالعات اسلامی بود. حوزه تخصصی مطالعات وی اندیشه‌های محمد غزالی بود. خیابانی در کابل به اسم این پژوهشگر نام‌گذاری شده است.

2. Suleiman Bashear, "On the Origins and Development of the Meaning of Zakat in Early Islam," Arabica, : (درباره : ۱۹۹۳، ۱۱۳ تا ۸۴ صفحات Zysow Aaron، منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه)، دانشنامه عربیکا، جلد هارون زیسو، مدخل Zysow Aaron صفحات ۸۴ تا ۱۱۳، ۱۹۹۳ م؛ (۴۰) XL منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه)، دانشنامه عربیکا، جلد ۴۰۷ و ۴۰۸، (۶) XI صفحات ۷۰۸ تا ۷۱۶ و مدخل «زکات» جلد، (۸) VIII «صدقه» جلد.



آیه (توبه: ۶۰) زکات را به عنوان صدقات (به صورت جمع) معرفی می کند. آیه دیگری (آل عمران: ۳۹) زکات را با دادن اختیاری پیوند می دهد. موارد دیگر نیز به نظر می رسد مبهم باشد. برای مثال در این آیه: «اگر صدقات را آشکار دهید، خوب است، ولی اگر آن را پنهان کرده و به فقرا دهید، برای شما بهتر است» (بقره: ۲۷۱). کلمات خاص استفاده شده (صدقه یا زکات) به اندازه تأکید قرآن بر اختیاری بودن انفاق و شرایطی که در آن انجام می شود، مهم نیست. در قرآن، تصور اجبار به انفاق تقریباً با روحیه صدقه در تضاد است. به عنوان مثال، قرآن (توبه: ۷۹) نسبت به تمسخر «مؤمنانی که تلاش کردند، ولی چیزی برای صدقه دادن ندارند»، هشدار می دهد. رویکرد قرآن به انفاق و صدقه، به جای تمرکز دقیق بر تفاوت انفاق اختیاری و اجباری چیزی که قوانین اسلامی متأخر انجام می دهد بر ایده های عمیق تر؛ یعنی «تطهیر» مال و مفهوم «بازگشت» تأکید می کند که برای درک آموزه های قرآن در مورد انفاق اساسی تر است.

۲. پالایش یا تطهیر اموال

در سوره های اولیه قرآن (سوره های مکی)، اطعام به فقرا به عنوان صفت تعیین کننده صالحان به شمار می آید که «اصحاب الیمین: یاران دست راست» نامیده می شوند (بلد: ۹۰-۲۰). کسانی که روز قیامت را رد می کنند، با افرادی مقایسه می شوند که یتیمان را نادیده می گیرند و از اطعام فقرا خودداری می کنند (ماعون: ۳). به همین ترتیب، کسانی که به خدا ایمان ندارند و در اصرار به اطعام فقرا کوتاهی می کنند، با عذاب مواجه می شوند (حاقه: ۳۴). امتناع از کمک به فقرا اغلب به عشق بیش از حد به مال مرتبط است: «نه این شمايید که یتیمان را گرامی نمی دارید و به اطعام فقرا ترغیب نمی کنید و با حرص میراث را می بلعید و به ثروت بسیار عشق می ورزید» (فجر: ۱۷-۲۰). از سوی دیگر، صالحان کسانی هستند که «با وجود اینکه غذا برایشان عزیز است، آن را به فقیر (مسکین)، یتیم و اسیر می دهند» (دھر: ۸).^۱

اطعام فقرا به عنوان کفاره (پاک شدن از) گناهان نیز ذکر شده است. هر کس عمداً در حالت احرام یا در حرم شکار کند، باید با قربانی کردن یک حیوان اهلی (حلال گوشت) در

۱. درباره «علی حُیَّه» رجوع کنید به آیه ۲: ۱۷۷ (بقره). در آیه ۸: ۷۶ (دھر) چندین مفسر معتبر از جمله طبری موافقت می کنند که این اصطلاح به معنای «حتی زمانی که آن را می خواهند» یا «با وجود دوست داشتن غذا» است. چندین مفسر معاصر آن را به اشتباه این گونه ترجمه کرده اند: «از عشقشان به خدا».



این آیه به عنوان هدیه‌ای تعبیر می‌کردند که در ازای آن، انتظار دریافت بیشتر داده می‌شد؛ عملی که در عربستان پیش از اسلام رایج بود. مفسر اندلسی، ابن قُربُی (درگذشته ۱۲۷۲ م/۶۷۱ ق) در این آیه به ابهام موجود درباره ربا بین واژگان «بیع» و «هبه» اشاره کرده است.^۱ آیه کلیدی دیگر در مورد گردش اموال آیه ۷ سوره حشر است: «آنچه خداوند از مردم شهرها به پیامبرش عطا کرده است برای خدا و پیامبر او و برای نزدیکان (که معمولاً به معنای وابستگان پیامبر است) و برای یتیمان و مسکینان و مسافران است تا مبادا این مال تنها در میان ثروتمندان شما بچرخد». این احتمالاً واضح‌ترین بیان در قرآن درباره گردش مناسب اموال و تقسیم صحیح ثروت است. عبارت «ما افاء الله» به معنای «آنچه خداوند برگردانده»، نشان‌دهنده احساس توزیع مجدد و اشاره به بازگرداندن مال به جامعه است. هدف این است که از گردش ثروت فقط میان ثروتمندان جلوگیری شود، نکته‌ای که در بسیاری از احادیث (سخنان پیامبر) تقویت شده است.^۲

مفسران قرآن سه توضیح برای این آیه ارائه کرده‌اند. نخست، ممکن است این آیه به پیامبر اشاره داشته باشد. این تفسیر مبتنی بر یک روایت است: «محمد [ص] به اموال کسانی دست یافت که قبلاً متعلق به قبایل یهودی بنی قریظه و قین قاع بود و این آیه او را در مورد چگونگی تصرف این اموال راهنمایی می‌کند. دومین تفسیر، به طور معقولی، بر این نکته تأکید دارد که این آیه تعیین می‌کند که غنایم جنگ چگونه باید بین دسته‌های نام‌برده (خدا، پیامبر، نزدیکان، یتیمان، فقرا و مسافران) تقسیم شود. سومین تفسیر این است که این آیه به درآمدهای حاصل از مالیات‌های پرداختی توسط غیرمسلمانان تحت حمایت (اهل ذمه) که در حکومت اسلام زندگی می‌کنند، اشاره دارد. این تفسیر منعکس‌کننده تکامل تفکر

۱. ابراهیم نخعی (متوفی ۷۱۵ م/۹۶ ق) در تفسیر جامع البیان، نوشته طبری، شماره ۲۱۳۱۷ نقل کرده (اشاره به آیه قرآن ۳۰: ۳۹) «این در جاهلیت [عرب جاهلیت] اتفاق می‌افتاد که یکی از عرب‌ها به یکی از خویشاوندان خود مالی می‌داد تا مالش افزون شود.» دیگر مفسران اولیه تعاریف مختلفی از ربا ارائه می‌کنند: سعید بن جبیر (جامع البیان، شماره ۲۱۳۰۸) آن را هدیه‌ای می‌نامد که داده می‌شود تا در مقابلش پاداشی گرفته شود؛ مجاهد (جامع البیان، شماره ۲۱۳۰۹) آن را با عنوان پیشکش عادی یا عمومی توضیح می‌دهد. نزدیک‌تر به معنای آشناتر «ربا»، تعبیر مجاهد از ریاست: «وقتی مردی پول یا مال خود را می‌دهد و می‌خواهد بیشتر از آن به دست آورد» (جامع البیان، شماره ۲۱۳۱۰). با این حال، اکثر مفسران، ربا را هدیه‌ای می‌دانند که به امید هدیه‌ای بزرگتر در ازای آن داده می‌شود. مایکل بونر، 2. Bonner, "Definitions of Poverty and the Rise of the Muslim Urban Poor," Journal of the Royal Asiatic Society, VI: idem, "Poverty and Charity," همان، «فقر و خیریه در مطالعات خاورمیانه»، ص ۱۳ تا ۱۵. «ما آفاء» و «فیء» به عنوان «بازگشت» در ادبیات تفسیری و حقوقی شناخته می‌شود. «طبری در این آیه آن را چنین تعریف می‌کند: «آنچه را که خداوند به رسولش برگردانده است».



حقوقی اسلامی در مورد نظام اراضی و به‌ویژه اصل مالیاتی مبتنی بر این آیه از قرآن است که به نام فِیء شناخته می‌شود. در همه حال، هیچ‌کس این آیه را به صدقه و زکات تفسیر نمی‌کند. در عوض، تمرکز قرآن را بر گردش عادلانه و توزیع فراگیر ثروت برجسته می‌کند.^۱

۴. دریافت‌کنندگان زکات

قرآن فقرا (مساکین) را تقریباً در تمام فهرست‌های کسانی که باید کمک دریافت کنند، قرار داده است. یکی از فهرست‌های معروف در این زمینه آیه ۴۱ سوره انفال است که می‌گوید: «و بدانید که در مورد هر چیزی که به‌عنوان غنیمت می‌گیرید، یک‌پنجم آن برای خدا، برای پیامبر، برای نزدیکان [به پیامبر]، برای یتیمان، برای فقرا (المساکین) و برای مسافر (ابن السبیل) است». این دریافت‌کنندگان همان‌ها هستند که در آیه ۷ سوره حشر نیز ذکر شده‌اند. اگرچه این آیه در مورد تقسیم غنائم است. برخی از مفسرانی که به این تفسیر استناد کرده‌اند، ادعا کردند که آیه انفال، آیه حشر را نسخ کرده است. حکم جدید و قطعی این بود مجاهدان چهار پنجم غنائم را به دست می‌آورند، درحالی‌که مابقی بین گروه‌های فهرست شده تقسیم می‌شود.

فهرست معروف دیگری در آیه ۶۰ سوره توبه دریافت‌کنندگان زکات را معرفی کرده است: «زکات (الصدقات) برای نیازمندان و فقرا (للفقراء والمساکین) است، برای کسانی که مسئولیت اداره آن‌ها را دارند (العاملین علیها)، برای کسانی که دل‌هایشان [باید] آشتی داده شود (المؤلفة قلوبهم)، برای بردگان، برای بدهکاران و برای [جهاد] در راه خدا و برای مسافر (ابن السبیل): دستوری از جانب خدا و خدا دانا و عادل است». در این فهرست خدا و پیامبر قرار داده نشده‌اند و دو دسته مشترک با دو فهرست قبلی (فقرا و مسافران) دارد؛ اما کامل‌تر است. مفسرین و فقها تلاش زیادی کردند تا تفاوت بین «نیازمند» و «فقیر»، «فقراء» و «مساکین» را توضیح دهند. یکی از دیدگاه‌های محبوب این است که «فقراء» به معنای فقیران منفعل؛ یعنی کسانی که چیزی نمی‌طلبند، است. درحالی‌که «مساکین» به افرادی اشاره دارد که درخواست کمک می‌کنند. دیدگاه دیگری وجود دارد که «فقراء» به

۱. رجوع کنید به Frede Lokkegaard, "Fay," EI2, II, 869-870; Untersuchungen einigen wichtigen bodenrechtlichen Kon-sequenzen der islamischen Eroberungsbewegung؛ مقاله «فیء» نوشته فرد لوکگارد در کتاب «بررسی برخی از پیامدهای مهم قانون زمین در فتوحات مسلمانان»، بخش ۱۲، جلد ۲، صفحات ۸۶۹ و ۸۷۰.



کسانی اشاره دارد که بیمار یا ضعیف هستند، درحالی که «مساکین» به افرادی که از نظر جسمی سالم هستند اشاره دارد. هم‌چنین ممکن است این دو واژه به یک مفهوم اشاره و همدیگر را تأکید کند. این فهرست یک مدیر یا جمع‌آوری‌کننده زکات را نام می‌برد که نشان‌دهنده وجود یک سیستم سازمان‌یافته برای جمع‌آوری زکات است. گروه «کسانی که دل‌هایشان باید آشتی داده شود» یک دسته آشنا در روایت‌هاست. حتی با وجود اینکه روایت‌ها در اینجا نادیده گرفته شود، این دسته به‌طور کلی معنادار است. ادبیات تفسیری، بردگان نام‌برده شده در این آیه را به‌عنوان «مکتوب» شناسانده؛ یعنی کسانی که آزادی خود را خریداری می‌کنند. بدهکاران نیز به نظر می‌رسد که یک دسته نسبتاً مشخص باشد. مورد «در راه خدا» نیز به‌طور کلی به معنای کسانی است که جهاد می‌کنند.^۱

فقرا در احکام ارث نیز ظاهر می‌شوند: «اما اگر در زمان تقسیم [ارث]، خویشاوندان (أولوالقربی)، یتیمان و فقرا (المساکین) حاضر باشند، پس به آن‌ها (یا از آن [مال] به آن‌ها غذا دهید، «فَارْزُقُوهُمْ» و با آن‌ها به نیکی سخن بگویید» (نساء: ۸۶).. با وجود اینکه در اینجا به «خویشاوندان» به جای «خویشاوندان پیامبر» اشاره شده، سه دسته دریافت‌کننده اینجا همانند دو فهرست دریافت‌کنندگان غنیمت و زکات هستند.

فقرا در آیات دعوت به سخاوت، تقوا و دیگر فضایل نیز ظاهر می‌شوند:

۱. «خدا را عبادت کنید و هیچ‌چیزی را با او شریک نکنید و به والدین «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» و خویشاوندان «وِذِي الْقُرْبَى» و یتیمان و فقرا «المساکین» و به مسافران که به شما مرتبط هستند و به آن‌هایی که نیستند «وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِي» و به همراه خود «وَالصَّاحِبِ بِالْجَانِبِ» و به مسافر و به آنچه دست راست شما دارد [که به‌طور عمومی به‌عنوان برده‌های شما تفسیر می‌شود] نیکی کنید؛ خداوند متکبر و فخرکننده را دوست ندارد» (نساء: ۳۶).

۱. المؤلفه قلوبهم در روایات (نه مستقیماً در خود قرآن) افراد مخالف پیشین پیامبر اسلام بودند که تلاش می‌شد با دادن هدایایی که از غنایم جنگ حنین به دست آمده بود، مسلمان شوند. رجوع کنید به Guillaume, Life of Muhammad؛ گیوم، زندگی محمد، ص ۴۹۴ و ۴۹۵؛ "watt, "mohammad at medina": مونته‌گمری وات، «محمد در مدینه»، صفحات ۷۳ تا ۷۵، ۳۴۸ تا ۳۵۳؛ همان نویسنده، "al-Mu'allafa Kulubuhum، مدخل المؤلفه قلوبهم، بخش ۱۲، جلد ۷، ص ۲۵۴. درباره بردگان مکاتب ببینید Robert Brunschvig, Abd "؛ رابرت برانشوایگ، مدخل «عبد»، بخش ۱۲، جلد ۱، ص ۳۰. درباره بدهکاران ببینید Irene Schneider, Schuldnechtschaft. Unter suchungen zur fruhen Phase des islamischen؛ ایرنه اشنایدر، «اسارت بدهی»، مطالعات اسلام اولیه.

۲. «تقوا (البِرّ) در این نیست که رو به شرق و غرب بگردید، بلکه در این است که شخص به خدا، روز آخرت، فرشتگان، کتاب و پیامبران ایمان داشته باشد و مال خود را با وجود محبت به آن، به خویشاوندان (ذوی القربی)، یتیمان، فقرا، مسافران، گدایان «السائلین» و به بردگان دهد و نماز را برپا دارد و زکات را پرداز» (بقره: ۱۷۷).

۳. «وقتی از شما می‌پرسند چه چیزی باید خرج کنند، بگویید: هر چه در صدقه «مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ» خرج کنید باید برای والدین، خویشاوندان «الأقربین»، یتیمان، فقرا «المساکین» و مسافران باشد. خداوند در مورد آنچه در صدقه می‌دهید، آگاه است» (بقره: ۲۱۵).

۴. «نباید کسانی از شما که در فراوانی و آسایش هستند «أُولَى الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ» قسم بخورند که به خویشاوندان «أُولَى الْقُرْبَى» و فقرا «المساکین» و به کسانی که به خاطر خدا مهاجرت کرده‌اند چیزی ندهند. باید ببخشند و عفو کنند «وَلْيُعْفُوا وَ لِيُصْفَحُوا». آیا نمی‌خواهید خدا شما را ببخشد؟ خداوند بخشنده و مهربان است» (نور: ۲۲).

این فهرست‌ها و فهرست‌های دیگر دریافت‌کنندگان را برای چند نوع توزیع و کمک و نه تنها برای صدقه (وزکات) نام می‌برد. برخی از این دریافت‌کنندگان فقط یک بار ذکر شده و برخی دیگر مانند یتیمان، والدین و گدایان به طور مداوم تکرار می‌شوند. متداول‌ترین آن‌ها مثلث خویشاوندان، فقرا و مسافران است که نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد.

اجماع واضحی در میان مفسران وجود دارد که «ذو القربی» به معنای «خویشاوند» یا «فامیل» است. در آن چند آیه‌ای که پیامبر اکرم [ص] به عنوان یک دریافت‌کننده نام برده شده، «ذو القربی» درست بعد از او آمده است. تمامی مفسران اتفاق نظر دارند که این خویشاوند به طور خاص به معنای «خویشاوند پیامبر» است و مفسران برای تعیین دقیق این خویشاوند بسیار تلاش کرده‌اند. ادبیات تفسیری «ابن السبیل» را به معنای تحت‌اللفظی «پسر راه» به عنوان کسی که به طور تصادفی با او مواجه می‌شوید و در سختی است، تعریف می‌کند. برخی از مفسران مسکین را به عنوان مهمان تعریف می‌کنند که حق سه روز مهمان‌نوازی دارد و پس از آن پذیرایی او به صدقه یا کمک داوطلبانه تبدیل می‌شود. به هر حال ابن سبیل فرد ناشناسی است که مقابل خویشاوند است. هم خویشاوند و هم مسافر، طبقات فقرا هستند. پس «مسکین» کیست؟ شاید جایگاه او در وسط مثلث، او را



تعریف کند؛ مشخص نیست که آیا او شناخته شده است یا خیر.

ابهام مرتبط با «مسکین» به مراتب کمتر از اصطلاح رایج دیگر برای «فقیر و فقراء» در قرآن است. گاهی اوقات این اصطلاح به سادگی در تضاد با مفهوم «غنی: بی نیاز» ظاهر می شود. با این حال، غالباً «فقراء» در قرآن به خوبی در متن قرار گرفته اند. یکی از این زمینه ها، وضعیت انسانی به طور کلی است. در آیه ۱۵ سوره فاطر، خدا به بشریت می گوید: «ای مردم! شما به خدا نیاز (فقر) دارید؛ اما خدا بی نیاز و شایسته ستایش است.» محتوای آیه ۳۸ سوره محمد نیز به نظر مشابه است: «و خدا بی نیاز است، در حالی که شما نیازمندان (فقراء) هستید». با این حال، در این آیه خدا به مؤمنان بخیل که از صرف مال خود در راه خدا دریغ می کنند، سرزنش می کند.

تعریف فقیر گاهی محدود می شود. در آیه ۸ سوره حشر که پیش تر هم آورده شد، افرادی که «آنچه خدا بر پیامبرش ارزانی داشته» را دریافت می کنند، به عنوان «فقیران مهاجر» که از خانه و اموال خود اخراج شده اند، تعریف می شوند و به دنبال نعمت و رضایت از پروردگار خود هستند. حتی بدون زمینه داستانی معروف که توسط کتاب های سیره و مغازی ارائه شده، این آیه از قرآن نشان می دهد که مهاجران فقیر، گروه مرکزی برای جامعه مسلمانان به شمار می رفت، حتی اگر دقیقاً در مرکز آن نبود. در آیات ۲۷۱ و ۲۷۳ سوره بقره، فقیران با کرامت و «شرمنده» ستوده می شوند و به خاطر همین فروتنی، شایسته دریافت هزینه های خیریه هستند. وقتی زائران قربانی خود را انجام می دهند، به آن ها توصیه می شود که «از آن بخورند و به فقیران نیازمند غذا بدهند» (حج: ۲۸).

دکوبرت «فقراء» در قرآن را به عنوان فقیران «درونی» و «مساکین» را به عنوان فقیران «بیرونی» توصیف کرده است. این تفاوت تعریف را ممکن و بهتر است این طور توصیف کنیم: «فقراء نیازمندی که می شناسیم و به نوعی متعلق به ما هستند» و «مساکین» نیازمندان مضطری که ممکن است بشناسیم یا نشناسیم». عدم قطعیت درباره مساکین تأثیر عمیقی در این مقاله بر آنچه «اقتصاد قرآنی» نامیده می شود، دارد.^۱

۱. Christian De cobert, Le mendiant et le combattant. L'institution de islam. «گدا و مجاهد در نهاد اسلام»؛

برای مطالعه بیشتر درباره مسکین غریب به تمثیل قرآنی باغ در آیه ۲۴: ۶۸ دقت کنید که صاحبان ظالم می گویند «در آن مسکین وارد نشود امروز» (اشاره دارد به حق فقیر در برداشت از محصولات باغ).



۵. مازاد و متقابل بودن

برآومان مضمونی تکراری در شعر عربی پیش از اسلام و داستان‌هایی که محتوای آن را فراهم می‌کند مشاهده کرد (مشابه اینکه چگونه روایات مغازی و سیره زمینه را به قرآن اضافه می‌کنند). این مضمون پیشنهاد می‌کند کسانی که دارایی اضافی دارند، باید مقداری یا تمام آن را ببخشند (عفو یا فضل). برآومان نیز ایده مشابهی را در قرآن برجسته کرده است. در برخی از آیات قرآن، «فضل» که اغلب به «فضل الهی» ترجمه می‌شود، می‌تواند به معنای «مال مازاد» نیز باشد (مثلاً سوره نور: ۲۲؛ سوره جمعه: ۹-۱۰؛ سوره حجرات: ۸). به عنوان مثال، قرآن (توبه: ۲۸) می‌فرماید: «خداوند شما را غنی می‌کند/ از فضل خود به شما مازاد می‌دهد».^۱

وقتی از فضل با این معنای دوگانه - فزون و فیض الهی - یاد می‌شود، قرآن غالباً مؤمنان را به بخشش سخاوتمندانه تشویق می‌کند که آیین سخاوت خداوند است تا برکات بیشتری نصیبشان شود: «خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید» (جمعه: ۱۰). همان‌طور که خداوند هدایایی را فراهم می‌کند که قابل جبران نیست (گاهی در قرآن با عنوان رزق، روزی، نامیده می‌شود)، مؤمنان تشویق می‌شوند که فداکارانه ببخشند. تنها آیه‌ای که در قرآن به فردی به عنوان فقیر اشاره می‌کند، سخن خداوند به پیامبر [ص] است: «آیا او را نیازمند نیافت و او را غنی نکرد؟ بنابراین یتیم را سخت نگیر، از سائل روی برمتاب و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن» (ضحی: ۸-۱۱). در هیچ جا قرآن به نظر نمی‌رسد که اجازه‌ای برای «هسته‌ای» از ثروت که از صدقه محفوظ باشد، قائل شود. بعدها، متون حدیثی و حقوق اسلامی مفاهیمی مانند «آستانه ثروت» یا «خط فقر» را برای هدایت اتفاق و درعین حال وفادار به آموزه‌های قرآنی معرفی کردند.^۲

۶. حق / ادعا / وظیفه

عنصر دیگری که در اقتصاد قرآنی اهمیت دارد، مربوط به کلمه «حق» است که افزون بر حق به معنای «ادعا» و «وظیفه» بوده یا گاهی هر سه مفهوم را دارد. در قرآن، افراد دارای

۱. M. Bravmann, "The Surplus of Property: An Early Arab Social Concept," in The Spiritual Background of Early Islam.

م. براومن، «مازاد دارایی: یک مفهوم اجتماعی عرب اولیه»، در پیشینه معنوی اسلام اولیه، (لیدن، ۱۹۷۲)، ص ۲۲۹ تا ۲۵۳.

۲. Bonner, "Definitions of Poverty," مایکل بونر، «تعریف فقر»، صفحات ۳۴۱ تا ۳۴۳.



حقوق هستند، همان طور که خدا دارای حق است. تا آنجا که به کمک‌ها و اعانات مربوط می‌شود، متعجبانه حق گاهی در خود شیء وجود دارد! بنابراین مؤمنان شامل «کسانی است که بر ثروت آنان حق شناخته شده‌ای برای سائل و محروم وجود دارد» (معارج: ۲۴-۲۵؛ واقعه: ۱۹).

عرب پیش از اسلام نیز دارای مفهوم مشابهی بودند. آن‌ها فکر می‌کردند که معمولاً اموال، مازاد دارد و باید بخشیده شود و این دارایی مازاد، خود دارای حق است. وقتی مردی بخشی از مازاد خود را به دیگری می‌دهد، گیرنده به نوعی رابطه با او آغاز می‌کند یا آن را ادامه می‌دهد به عنوان حمایت از یک همسایه (جار)، مشتری (مولی) یا متحد (حلیف) که در هر مورد، رابطه‌ای نابرابر است. گردش حقوق (گردش مال مازاد) نوعی چرخه بزرگ را شکل می‌دهد، این چرخه بخشش می‌تواند هم برای دهنده و هم برای گیرنده سنگین باشد؛ زیرا باعث ایجاد تعهدات مداوم و گاهی اوقات رنجش و احساس کوچک شدن می‌شود.^۱

ایده بازگشت اموال در قرآن، شاید حتی به عنوان یک دایره، ساده‌تر و قابل تحمل‌تر است. ایده گردش اقتصادی در قرآن به عنوان بازگشت کالاها و تعهدات، ممکن است برای همه افرادی که در آن شرکت دارند، ساده‌تر باشد؛ زیرا فضایی برای یک دریافت‌کننده ناشناس، یعنی مسکین، فراهم می‌کند. چه اهداکنندگان و چه دریافت‌کنندگان یکدیگر را بشناسند یا نشناسند، کالاها در حرکت هستند و جامعه همان‌طور که باید، عمل می‌کند.

در حالی که ایده‌های قرآن درباره «حق» ممکن است ریشه در مفاهیم عربی پیش از اسلام داشته باشد، قوانین و هنجارهای اقتصادی منحصر به فرد خود را معرفی می‌کند؛ «حق در یک شیء»، هم راهی برای تطهیر مال است و هم به گردش کالاها دامن می‌زند. تمام این عناصر در آیه‌ای جمع می‌شود که می‌گوید: «به خویشاوندش حقش را بده و به نیازمند و مسافر» (روم: ۳۸). این فرمان با اشاره به فضل خدا، بخشندگی غیرقابل جبران او، آغاز می‌شود. سپس مثلث اساسی دریافت‌کنندگان نام برده می‌شود: خویشاوند، مسافر

۱. M. J. Kister, "God Will Never Disgrace Thee" (the «مازاد دارایی» Bravmann, "Surplus of Property", Journal of the Royal Asiatic Society, ۱۹۶۵ م)، صفحات ۲۷ تا ۳۲؛ in idem, Studies in Jahiliyya and Early Islam (Aldershot: همان نویسنده، مطالعات عصر جاهلیت و صدر اسلام، چاپ الدرشوت، سال ۱۹۸۰ م).



یا غریبه رهگذر و در میان آن‌ها، مسکین ناشناس که حضورش به‌وضوح احساس می‌شود. قرآن دیدگاه منحصر به فردی را درباره مسائل اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌کند، جایی که به فقر و فقر اهمیت قابل توجهی دارند. این تمرکز زیاد بر روی واژگان جدید نیست، بلکه در مورد ایده‌های جدید در روابط انسانی است. یکی از این روابط مربوط به ضعیفان جامعه است که در چندین آیه از قرآن ظاهر می‌شوند؛ مانند زمانی که نیازمندان از وظیفه نظامی معاف می‌شوند، به همراه بیماران و سایر دسته‌ها (توبه: ۶۱). برخی آیات آن‌ها را در برابر مغروران و متکبران قرار می‌دهند، نه در برابر ثروتمندان. به‌عنوان مثال، در آیه ۲۱، سوره ابراهیم، ضعیفان به مغروران در روز قیامت می‌گویند: «ما فقط از شما پیروی می‌کردیم، آیا نمی‌توانید ما را نجات دهید؟» مغروران پاسخ می‌دهند: «اگر ما تنها از خدا هدایت یافته بودیم، شما را هدایت می‌کردیم؛ اما اکنون همه ما در این وضعیت هستیم و کاری نمی‌توانیم انجام دهیم».

گفتگوی مشابهی در آیات ۴۰، ۴۷ و ۵۰ سوره مؤمن، وجود دارد که در آن همه افراد در آتش جهنم هستند. در هر دو مکالمه، همه طرفین به‌خوبی یکدیگر را می‌شناسند. نکته این است که هدایت الهی برای تبدیل شدن فقیران به یک فقیر شایسته، لازم نیست یا نیامده، بلکه این هدایت نصیب جامعه‌ای می‌شود که جریان مالی و کالاها را به سمت درست تنظیم می‌کند (از بالا به پایین) که سخاوت را به‌عنوان جبران نعمت‌های خداوند تمرین می‌کند که حق ذاتی در چیزهای خوب این دنیا را رعایت می‌کند که ثروت خود را با بخشیدن بخشی از آن در صدقه پاک می‌کند و به فقیر خویشاوند و فقیر غریبه، یکسان توجه می‌کند.

این مطالعه عمداً از تمرکز بر جنبه‌های شناخته‌شده محمد [ص]، قبیله او (قریش)، جامعه‌ای که پیرامون او شکل گرفته بود، زادگاهش مکه یا پایگاه بعدی او در مدینه اجتناب می‌کند. در یک مفهوم کلی، داستان اغلب در مورد شهری شدن یک جامعه قبیله‌ای است. با این حال، روایت مخالف نیز می‌تواند معنا داشته باشد: جامعه شهری تا حدودی قبیله‌ای می‌شود - چیزی شبیه به آنچه بعداً در شهرهای بزرگ جهان اسلام رخ داد. در هر صورت، رابطه بین خویشاوندان (خانواده/قبیله) و غریبه‌ها چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که به بهترین وجه از طریق سخاوت، مبادله، خلوص و گردش حل می‌شود که همه حول محور مراقبت از فقر است.



زمانی که اکثر مسلمانان، عرب بودند و برای اولین بار در سرزمین‌های تازه فتح‌شده ابتدا در عربستان و سپس در بخش‌های وسیع‌تری از خاورمیانه، آسیای مرکزی و شمال آفریقا مستقر شدند، سیستمی مالی و نظامی را بر اساس هدیه به‌طور عرفی تحمیل کردند. هدیه ایده اصلی فیه بود که به معنای «بازگشت» است (بر اساس قرآن، حشر: ۷). مجاهدان مسلمان کمک هزینه‌ای به نام «عطا» به معنای «هدیه» دریافت می‌کردند. نکته مهم این است که این پرداخت به‌عنوان پاداشی برای خدمات آنان تلقی نمی‌شد، بلکه به‌عنوان نشانه‌ای از تعلق به جامعه تلقی می‌شد. این سیستم بر اساس اصول سخاوت و همبستگی، چه در جنگ و چه در مبادلات روزمره ساخته شده است. حتی پس از محو شدن این نظام، این اصول همچنان بر رفتار و تفکر مسلمانان تأثیر می‌گذارد.^۱

بسیاری از محققین هم قرآن و هم اسلام را برای تجارت و جامعه بسیار متحرک که در خاور نزدیک قرون وسطی پدیدار شد، بسیار مطلوب توصیف کرده‌اند. توری مدت‌ها پیش به واژگان تجاری کلامی قرآن اشاره کرد. با این حال، این تمرکز بر تجارت با ایده «اقتصاد فقر» که در قرآن و فراتر از آن وجود دارد، در تضاد نیست. به‌عنوان مثال، سنت اسلامی (هم در روایات و هم در روایات تاریخی) می‌گوید که حضرت محمد اجازه نمی‌داد در بازار مدینه ساختمان‌های دائمی - ساخته شود و مالیات (خراج) یا کرایه (اجاره) در آنجا جمع‌آوری شود.^۲

۱. این نکته لزوماً به این معنی نیست که وضعیت مجاهد با مرد فقیر یکسان است، همان گونه که De cobert دکوبر در اثرش به نام Le mendicant: گدا گفته است. به مباحث مربوط به این موضوع در Abdallah Cheikh-Moussa and Didier Gazaguadou, "Comment 'on é crit l'histoire...de l'Islam'" «چگونه تاریخ اسلام را می‌نویسیم!»، اثر عبدالله شیخ موسی و دیدیه گازاگوادو، در دانشنامه عربیکا جلد XL ۱۱، چاپ ۱۹۹۳ و صفحات ۲۱۷ تا ۲۲۰ نگاه کنید. درباره فیه هم به Lokkegaard, "Fay"; Schmucker, Unter- suchungen مقاله «فیه»، اثر لوکگارد، در تحقیقات اشموکر مراجعه کنید. درباره جریان‌های مختلف در اندیشه اقتصادی اولیه اسلامی هم به بونر، کتاب الکسب و دیگر منابع معرفی شده در مقدمه مراجعه کنید.

۲. Charles C. Torrey, The Commercial-Theological Terms in the Koran: چارلز سی. توری، «اصطلاحات تجاری-الهیاتی در قرآن» (لیدن، ۱۸۹۲)، in Stefan Wild (ed.), "The Qur'an as Text"; Andrew Rippin, "The Commerce of Eschatology," در کتاب «قرآن به عنوان متن»، ویرایش استفان وایلد، چاپ نیویورک، ۱۹۹۶ م، صفحات ۱-۳۵ مراجعه کنید.

Maxime Rodinson, Islam et capitalisme (Paris, 1966; trans. as Islam and Capitalism [New York, 1973]): به‌خصوص کتاب «اسلام و سرمایه داری»، اثر ماکسیم رودینسون، چاپ پاریس، ۱۹۶۶ به زبان فرانسه را مطالعه کنید که ترجمه انگلیسی آن به عنوان اسلام و سرمایه داری در نیویورک، ۱۹۷۳ م چاپ شده است. idem, "Conditions religieuses islamiques," in Bertold Spuler. (ed.), Wirtschaftsgeschichte des vorderen Orients in islamischer Zeit (Leiden), ۱۹۷۷ م، همان نویسنده با مقاله «شرایط دینی اسلامی» در کتاب «تاریخ اقتصادی خاورمیانه در دوران اسلامی»، با ویرایش برتولد اسپولر، چاپ لیدن، ۱۹۷۷ م، صفحات ۱۸ تا ۳۰. برای بازار در مدینه مراجعه کنید به کتاب «وفاء الوفا باخبار دار المصطفی»، اثر نورالدین سمهودی، چاپ قاهره، ۱۹۵۳ م، جلد دوم، صفحات ۷۴۷ تا ۷۵۶.



این سنت به نظر نمی‌رسد که زمینه یا بافت قرآنی داشته باشد. به نظر می‌رسد که انتقادی از نقش قدرت مرکزی، به‌ویژه در دوران امویان (۶۶۱ تا ۷۵۰ م/۴۱ تا ۱۳۲ ق) باشد. اولین حاکم اموی، معاویه (حکومت: ۶۶۱ تا ۶۸۰ م/۴۱ تا ۶۰ ق)، دوخانه در کنار بازار مدینه ساخت. در اواخر دوران اموی، هشام (حکومت: ۷۲۴ تا ۷۴۳ م/۱۰۵ تا ۱۲۵ ق) دستور ساخت یک مجموعه بزرگ از دیوارها، مغازه‌ها، انبارها و سایر ساختمان‌ها را در آنجا صادر کرد؛ اما پس از مرگ هشام، ساکنان شهر به‌سرعت آن را خراب کردند. در زمینه این وقایع، گفته می‌شود که «عمر دوم، عمر بن عبدالعزیز (حکومت: ۷۱۷ تا ۷۲۰ م/۹۹ تا ۱۰۱ ق) مشهور به خلیفه با فضیلت و متقی اظهار داشته: «السوق صدقه: بازار [نمونه‌ای از] صدقه‌های خودجوش است». برای ناظران معاصر، نیت او این بود که بازار را نوعی وقف یا بنیاد خیریه قرار دهد، اما چنین چیزی نبود. در آن زمان، نهاد وقف اگر هم وجود داشت تنها در ابتدایی‌ترین مراحل خود قرار داشت. عمر بن عبدالعزیز، اصلاح‌گر نظام مالی، احتمالاً قصد داشت سیاست‌های پیشینیان خود را در مورد بازار مدینه (و احتمالاً سایر بازارها تحت کنترل خود) معکوس کند، یا کسانی که چنین سیاستی را ترجیح می‌دادند، نام عمر را مطرح کرده و این موضع را به او نسبت دادند. فارغ از اینکه در نهایت چه کسی مسئول بود، این بیان از «بازار آزاد» که شامل گردش کالاها در یک فضای واحد بدون پرداخت هزینه، مالیات یا اجاره، بدون ساختن ساختمان‌های دائمی و بدون سودآوری از جانب خلیفه یا اطرافیان وی ریشه در واژه صدقه، «کارهای نیک داوطلبانه» دارد. صدقه هم‌چنین می‌تواند به چیزی شبیه به مازاد اقتصادی اشاره کند. به گفته برخی، هر زمان که شخصی از کار دیگری بهره‌مند می‌شد، این یک نوع صدقه محسوب می‌شد.^۱

این دیدگاه منسجم و بسیار جذاب از جهان اقتصادی به موفقیت اولیه و پایدار اسلام ارتباط زیادی داشت. از آنجا که فقرا در قلب این جهان اقتصادی قرار داشتند، تعالیم قرآن درباره فقر تأثیر قابل‌توجهی، حتی تأثیرگذار بر روی جامعه عرب، خاورمیانه و فراتر از آن داشت.

۱. درباره صدقه و کار اثر مایکل بونر، کتاب الکسب، صفحه ۴۱۷ را ببینید.

نتیجه‌گیری

آموزه‌های اقتصادی قرآن با ارائه‌ای نوآورانه از نظم اجتماعی، فقر را نه صرفاً چالشی اقتصادی، بلکه مسئله‌ای اخلاقی-دینی می‌داند. این نظام با محوریت مفاهیم «اقتصاد فقر»، «فضل الهی» و «حق معلوم»، سه اصل کلیدی را بنیان نهاده است: ۱) توزیع عادلانه ثروت از طریق زکات و صدقه ۲) تأکید بر کارکرد تطهیری انفاق ۳) حمایت نظام‌مند از گروه‌های آسیب‌پذیر (فقرا، یتیمان، در راه‌ماندگان). قرآن با پیوند دادن ثروت به مسئولیت اجتماعی، الگویی ارائه می‌دهد که در آن انباشت ثروت جای خود را به گردش دارایی‌ها می‌دهد. برخلاف تمایزات فقهی متأخر، قرآن صدقه واجب (زکات) و مستحب را در پیوستاری واحد از مسئولیت اخلاقی می‌بیند. دو ویژگی ممتاز این نظام عبارتند از: الف) نگاه یکپارچه به رفتار اقتصادی و ارزش‌های ایمانی ب) ترکیب سنت‌های عربی پیش از اسلام با اصول توحیدی. تأثیر این آموزه‌ها در نهادهای مالی صدر اسلام (فیء، عطا) و نیز در گفتمان عدالت اجتماعی اسلامی مشهود است.

مطالعه این آموزه‌ها نشان می‌دهد که قرآن با عبور از اخلاق فردی، نظریه‌ای اجتماعی درباره عدالت اقتصادی ارائه می‌دهد که دو محور دارد: ۱) نفی هرگونه مالکیت مطلق بر ثروت ۲) تأکید بر حقوق جامعه بر دارایی‌های افراد. این چارچوب که ربا را نفی و «تطهیر مال» را ترویج می‌کند، امروزه نیز می‌تواند الهام‌بخش مدل‌های اقتصادی مبتنی بر کرامت انسانی باشد. قرآن با تبدیل کمک به نیازمندان از «لطف» به «تکلیف»، الگویی پایدار از اقتصاد اخلاق‌محور ارائه کرده که قابلیت تطبیق با شرایط زمانی مختلف را داراست. [مترجم]



فهرست منابع [مترجم]

منابع فارسی

۱. بشیر، س، (۱۹۹۳)، درباره منشأ و توسعه معنای زکات در اسلام اولیه. عربیکا، ۴۰ (۱)، ۸۴-۱۱۳.
۲. بونر، م، (۱۹۹۶)، تعریف فقر و ظهور فقیران مسلمان شهری. مجله انجمن سلطنتی آسیایی، ۶ (۳)، ۳۴۱-۳۳۹.
۳. سمهودی، ن، (۱۹۵۳)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی (ج. ۲، صص. ۷۴۷-۷۵۶). قاهره.
۴. طبری. (بی‌تا). جامع البیان عن تأویل آی القرآن.
۵. کیستر، م. ج. (۱۹۶۵). «خدا تو را هرگز رسوا نخواهد کرد» (تفسیر یک حدیث صدر اسلام). مجله انجمن سلطنتی آسیایی، ۹۷ (۱)، ۲۷-۳۲.

منابع انگلیسی

6. Bashear, S. (1993). On the origins and development of the meaning of Zakat in early Islam. Arabica, 40 (1), 84-113.
7. Bonner, M. (1996). Definitions of poverty and the rise of the Muslim urban poor. Journal of the Royal Asiatic Society, 6 (3), 339-341.
8. Bonner, M. (2001). The Kitab al-kasb attributed to al-Shaybani: Poverty, surplus, and the circulation of wealth. Journal of the American Oriental Society, 121 (3), 410-427.
9. Bonner, M. (2003). Poverty and charity in the rise of Islam. In M. Bonner, M. Ener, & A. Singer (Eds.), Poverty and charity in Middle Eastern contexts (pp. 13-15). State University of New York Press.
10. Bravmann, M. (1972). The surplus of property: An early Arab social concept. In The spiritual background of early Islam (pp. 229-253). Brill.





11. Décobert, C. (1991). *Le mendiant et le combattant: L'institution de l'islam*. Éditions du Seuil.
12. Guillaume, A. (1955). *The life of Muhammad: A translation of Ibn Ishaq's Sirat Rasul Allah*. Oxford University Press.
13. Hawting, G. R. (1999). *The idea of idolatry and the emergence of Islam: From polemic to history*. Cambridge University Press.
14. Hinds, M. (1983). Maghazi and Sira in early Islamic scholarship. In *La vie du prophète Mahomet* (pp. 57–66). Presses Universitaires de France.
15. Jeffery, A. (1938). *The foreign vocabulary of the Qur'an*. Oriental Institute.
16. Kister, M. J. (1965). 'God will never disgrace thee' (the interpretation of an early Hadith). *Journal of the Royal Asiatic Society*, 97 (1), 27–32.
17. Lokkegaard, F. (1965). Fay'. In *Encyclopaedia of Islam* (2nd ed., Vol. 2, pp. 869–870). Brill.
18. Rippin, A. (1996). The commerce of eschatology. In S. Wild (Ed.), *The Qur'an as text* (pp. 125–135). Brill.
19. Rodinson, M. (1973). *Islam and capitalism* (B. Pearce, Trans.). Pantheon Books. (Original work published 1966)
20. Shoufani, E. (1973). *Al-Riddah and the Muslim conquest of Arabia*. University of Toronto Press.
21. Watt, W. M. (1956). *Muhammad at Medina*. Oxford University Press.